



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۲/۱۲

دوکتور نوراحمد خالدی

## مردم افغانستان

### تعداد نفوس

#### قسمت اول

اداره مرکزی احصائیه مسول جمع آوری و نشر احصائیه های نفوس در افغانستان میباشد. بر همین اساس این اداره همه ساله احصائیه های نفوس مسکون کشور را به تفکیک ولایات، ولسوالیها، نواحی، شهری و دهاتی و جنس (ذکور و اناث) نشر میکند. تمام تخمینهای سالانه نفوس افغانستان در طی ۳۶ سال گذشته، که مورد استفاده دولت و موسسات میباشد همه عمدتاً بر پایه نتایج اولین سرشماری نفوس کشور سال ۱۳۵۸، فهرست برداری خانوارها در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۵م و بعضی سرویها، و تخمینهای محلی بعدی نفوس استوار اند.

اخیراً اداره مرکزی احصائیه نفوس سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸/۲۰۱۷م) کشور را حدود ۶، ۳۱ میلیون نفر برآورد کرد ۸،۴ فیصد را نفوس کوچی تشکیل میدهند. در رابطه با نفوس کوچی باید متذکر شد که از سال ۱۳۵۸ تا حال نفوس کوچی نسبت عدم موجودیت معلومات دقیق ۱، ۵ میلیون نفر در نظر گرفته شده است." (وبسایت اداره مرکزی احصائیه، احصائیه نفوس)

بعضی ها میگویند دولتهای افغانستان سرشماری های نفوس را انجام نمیدهند چون مقامات نمیخواستند نفوس اقوام کشور معلوم گردد. این برداشت نادرستی است. منظور اولی از اجرای سرشماری معلوم کردن نفوس اقوام نیست. در هیچ قانون اساسی کشور در هیچ زمانی اقوام کشور دارای امتیازات خاصی نبوده اند تا دانستن تعداد هر قوم برای پالیسی های دولت ها اهمیت خاصی داشته باشد. همه مردم افغانستان در برابر قانون حقوق، امتیازات و مسولیتهای مساوی دارند.

عملیات سرشماری از مقدمات تا اجراء، پراسس ارقام، تحلیل و ارزیابی و نشر نتایج بسیار پر مصرف، زمانگیر، تخنیکی، مسلکی میباشد. از این لحاظ در اکثر کشور های جهان سرشماری ها هر ده سال یکبار تکرار میگردد. تنها چند کشور محدود سرشماری ها را هر پنج سال انجام میدهند. بطور مثال با آنکه استرالیا در هر پنج سال سرشماری میکند، با آنهم از سه سال به اینطرف مقدمات سرشماری ماه اگست سال جاری ۲۰۱۶ آن جریان دارد و نشر نتایج کامل آن سه سال بعدی را در بر خواهد گرفت.

اولین و آخرین سرشماری نفوس در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) به کمک ملل متحد در افغانستان انجام شد. برخلاف گفته های بعضی ها (از جمله امین فرهنگ وزیر اقتصاد در سال ۲۰۰۴) این سرشماری یک عمل نمایشی نبوده بلکه تهیه مقدمات آن سه سال را در بر گرفت بشمول نقشه کشی تمام دهات و شهرهای کشور، نمبر گذاری تمام دروازه ها و فهرست کردن تمام خانوار ها در عقب این دروازه ها و فهرست برداری خیمه های کوچی ها و تثبیت مسیر حرکت آنها.

اصل سرشماری بیست روز را در سال ۱۳۵۸ در بر گرفت و بیش از دو میلیون پرسشنامه خانوار ها را بیش از ده هزار سرشماران با انجام مصاحبه با بزرگان هر خانوار در تمام مناطق امن کشور تکمیل کردند. در مناطق صعب العبور کوهستانی و محلات بسیار نا امن، معمولاً دور افتاده، سرشماری انجام نشد. بر همین اساس چون کوچی ها معمولاً در همچو مناطق زندگی میکنند، احتوای کامل نشدند. اما برای تخمین نفوس این مناطق از فهرست های خانوار ها که در مراحل مقدماتی سرشماری تکمیل شده بودند و میزان رشد نفوس استفاده شد.

متعاقباً معلومات شامل پرسشنامه ها ادخال کمپیوتری شده و بعد از پراسس تمام پرسشنامه ها، نتایج مقدماتی آن در سال ۱۹۸۰ م و نتایج نهایی در سال ۱۹۸۳ از طرف اداره مرکزی احصائیه، وقتی که من مدیر عمومی سرشماری نفوس و سروی های دموگرافیکی بودم نشر گردیدند.

از سال ۱۳۵۸ به این طرف سرشماری تازه در کشور انجام نیافته است. با وجودیکه بعد از کنفرانس بن و ایجاد دولت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۰۱م تطبیق پروژه سرشماری در دستور کار دولت جدید قرار گرفته و برای

د پانو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

تطبيق آن اقدامات جدی و گسترده به کمک صندوق نفوس ملل متحد از طرف اداره مرکزی احصائیه انجام پذیرفت، اما بنابر وخامت اوضاع امنیتی تا امروز دولتها قادر به انجام این پروژه نشده اند. هر کودکی میداند برای سرشماری موجودیت امنیت اهمیت درجه اول دارد. کدام رهبر سیاسی میتواند جان بیش از سی هزار سرشمار (معمولاً معلمین مکاتب) را به خطر انداخته آنها را به دهات و قریه جات اعزام کند؟ حتی در سال ۱۳۵۸ که به مقایسه سالهای اخیر امنیت نسبی در کشور موجود بود تعدادی از کارمندان اداره مرکزی احصائیه جانهای خود را از دست دادند.

واقعیت این است که سیاستمداران ما، طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، توان پذیرش و هضم نتایج سرشماری ها و انتخابات را ندارد. بطور مثال دولتهای مجاهدین و دولت جمهوری اسلامی بعد از کنفرانس بن در نشرات خود از روی تعصب سیاسی یا از انجام سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ که در زمان حفیظ الله امین اجرا شد انکار میکنند، یا نادیده میگیرند و یا آنرا کم اهمیت جلوه میدهند. حتی سرپرست موجوده اداره مرکزی احصائیه یا از روی نادانی یا از روی اجبار و تعصب سیاسی میگوید سرشماری در سال ۱۳۵۸ شروع شد اما تکمیل نگردید! در حالیکه میدانیم سرشماری مذکور با مصرف ملیونها دالر از شروع کارهای مقدماتی کارتوگرافیکی، نمبر زدن دروازه ها و فهرست برداری خانوارها تا اجرای عملیات ساحه، پراسس ارقام کمپیوتری، تحلیل و ارزیابی نتایج، تهیه راپورها و تکمیل و نشر ارقام در حدود پنج سال را در بر گرفته و تکمیل گردید.

خوشبختانه در نتایج نشر شده سرشماری مذکور چیزی وجود ندارد تا صحت ارقام آنرا بنابر ملحوظات قومی، زبانی و سیاسی خدشه دار سازد. جالب این است که، با وجود کم بها دادن به سرشماری سال ۱۳۵۸، طوریکه نتایج انتخابات سال ۲۰۱۴ نشان داد، سیاستمداران ما توان پذیرش و هضم ارقام و اعداد بدست آمده از نفوس کشور را از نتیجه عملیات ساحه که مطابق به برداشتهای خاص خودشان نباشد، ندارند. از این لحاظ نباید در سرشماری آینده از قوم و ملیت مردم سوال کرد. با اطمینان میتوانم بگویم که اگر دولت موفق به اجرای یک سرشماری نفوس در آینده گردد و از مردم در مورد قومیت آنها سوال گردد کسانیکه خود را در اقلیت مییابند نتایج سرشماری را قبول نخواهند کرد و با تحت سوال بردن نتایج یک سوال، تمام نتایج سرشماری مورد سوال قرار خواهد گرفت.

افغانستان توان آنرا ندارد تا با شمول کردن سوال قومیت تمام نتایج یک سرشماری خود را مورد سوال قرار داده مصارف گزاف آنرا به هدر دهد. برای دانستن احصائیه های نفوس بر اساس قومیت راههای دیگری موجود است که ارقام سرشماری های نفوس میتوانند امکانات آنرا میسر سازند.

## افغانستان چهار راه مدنیت ها:

در این شکی نیست که افغانستان باحدود اربعه فعلی خود در حقیقت چهارراه مدنیت های کهن بود. راه ابریشم از همین سرزمین ها گذشته، راه های تجارت از هند به شرق میانه از اینجا گذشته، سرزمینهای آسیای میانه، آریانیان کهن که افغانستان جز آن است لشکر کشیهای جهانگشایان زیادی را متحمل شده است. هخامنشیهای فارس چند هزار سال قبل این سرزمینها را اشغال کردند و حتی تا مصر و ترکیه امروزی حکومت کردند. متعاقباً اسکندر یونانی بالای این سرزمینها حمله میکند و امپراطوری سیلوسید را ایجاد کرده دولت گریکو-باختری را در شمال افغانستان امروزی ایجاد میکنند. به تعقیب آنها هونهای سفید یفتلیها و امپراطوری گوپتای هند و کوشانیها مدنیتهای بزرگ هند و بودایی را ایجاد کردند که آثار آنها در بامیان، کاپیسا، هده و لوگر وجود دارد. متعاقباً ساسانیهای فارس این سرزمینها را اشغال میکنند. در حدود یکهزار و چارصد سال قبل اعراب به این سرزمینها حمله میکنند و تمدن اسلامی را در این سرزمین ها گسترش میدهند. به تعقیب اعراب ترکبارهای سلجوقی و خوارزمشاهی و غزنوی این مناطق را مورد تاخت و تاز قرار میدهند. غوریها جهانگشایان بعدی هستند که همزمان با خوارزمشاهیان بالای این سرزمینها اثر میگذارند که به تعقیب آنها مغولها به این سرزمینها سرازیر شده و به تاراج میبردارند. تیموریها و بابرهای صفویها آخرین جهانگشایان در کشور ما بودند.

بنابر آن این سرزمین ها مدنیت های زیادی تجربه کرده که کاوش های باستانشناسی آثار آنها را در دسترس ما قرار میدهد. مهاجرتی هم صورت گرفته و در این مورد تیوریهایی به ارتباط مهاجرت آریانی ها از شمال قفقاز، از یوکراین و سایبیریا به جنوب بطرف سرزمین های ما موجود است. تمام این لشکرکشی ها، مدنیتها و مهاجرتها بالای ساختمان نفوس این مناطق ناگذیر اثر گذاشته اند.

مطالعات بسیار دقیق ژنتیکی نفوس افغانستان توسط دانشمندان پوهنتون پورت سموث انگلستان بالای اقوام افغانستان در سالهای اخیر انجام یافته و نتایج آن در یک مقاله تحلیلی در جریده پلوس وان بتاريخ هشتم مارچ سال ۲۰۱۲م، به نشر رسیده نشان میدهد که ساختمان ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بسیار زیاد باهم داشته و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنتیک با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی.

این مطالعه برای اولین بار تنوع کروموزمهای Y «ی» را میان بزرگترین اقوام افغانستان مورد بررسی قرار میدهد. در این مقاله ساختمان ژنتیکی افغانهای مدرن مورد بررسی قرار گرفته و تنوع ترکیب ژنتیکی آنها در ارتباط با وقایع شناخته شده تاریخی و حرکات نفوس های همسایه ها ارزیابی شده است.

مقایسه ساختمان ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بسیار زیاد آنها را نشان داده و همچنان نشان میدهد که اقوام پشتون و تاجک افغانستان از لحاظ ژنتیک با نفوسهای اقوام شمال و غرب هند بسیار نزدیکتر اند تا اقوام شمال قفقاز، اروپا و ایران امروزی. این نتیجه میرساند که تیوری قبلی مهاجرت آریایها از شمال قفقاز به افغانستان امروزی و از آنجا به هندوستان نادرست میباشد. این مطالعات بر عکس قضیه را ثابت میکند به این معنی که اقوام پشتون و تاجک افغانستان شباهت های بیشتر با مردم شمال هند دارند تا همسایه های آنها در غرب و شمال قفقاز.

این مطالعات ارتباط بسیار قوی ژنتیکی اقوام پشتون و تاجک افغانستان را با اقوام شمال و غرب هندوستان ثابت نموده نشان داد که یک ساختمان خاص نفوسی هند و افغان وجود دارد که از یکها و هزاره ها در آن شامل نیستند. همچنان معلوم میشود که پروسه جریان ژن از هندوستان به افغانستان صرف مربوط به اقوام پشتون و تاجک افغانستان بوده و حد اقل از زمان ایجاد اولین مدنیتهای بشری در منطقه یا تمدن وادی سند و تمدن باختر- مارچینیا (تمدن اطراف دریای آمو و دریای مرغاب) برقرار بوده است. مطالعات نشان میدهد که باشندگان اولیه افغانستان با نفوس شمال و غرب هند، آسیای میانه، ایران و مردم شمال قفقاز تا ختم عصر جمع آوری و شکار و شروع زراعت یعنی بین ۱۲۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل همه دارای اجداد مشترک بودند. با شروع عصر زراعت است که خصوصیات ژنتیکی باشندگان اولیه سرزمینی که ما افغانستان مینامیم از خصوصیات ژنتیکی مردمان هندوستان و ایران متمایز میگردد. تکامل و جدایی اقوام و سیستمهای اجتماعی، بخصوص پشتون و تاجک، در افغانستان از عصر تمدن مسی (برونز) یعنی با شروع شهر نشینی پدید میگردد.

مطالعات نشان میدهد که مهاجرتهای تاریخی و لشکر کشیها بالای ساختمان قومی در افغانستان اثرات متفاوت داشته اند. این مطالعات وقوع مهاجرتهای تاریخی و لشکر کشیهای هخامنشیهای فارس و یونانیهای مقدونی، با آنکه اثرات ژنتیکی محدودی میان اقوام افغانستان و اقوام آسیای میانه بخصوص، فارسها دیده شده اما هیچ ارتباط قابل ملاحظه با مقدونیه و بالکان به مشاهده نرسیده است.

مطالعات همچنان نشان میدهد که لشکر کشیهای اعراب در قرن هفتم میلادی و ادعا های مهاجرت و سکون گزینی اعراب در این سرزمینها با آنکه از لحاظ فرهنگی تاثیرات عظیمی در منطقه بجا گذاشته است، اما اثرات ژنتیکی این لشکر کشیها بالای نفوس محلی این مناطق مشاهده نمیگردد.

توزیع جغرافیایی و قومی زبانهای مروج در افغانستان نیز یک پدیده مغلوق بوده است. در حالیکه ساختمان ژنتیکی نفوس اقوام هزاره و ازبک را باهم ارتباط میدهد اما این دو قوم از لحاظ زبانی به دو گروه جداگانه مربوط میشوند. زبان مردم هزاره مانند پشتونها و تاجکها وابسته به گروه زبانهای هندوآریایی است در حالیکه زبان ازبکها مربوط به فامیل زبانهای ترکی میباشد. طوری معلوم میشود که زبان ازبکی مروج در افغانستان وارث مستقیم یک زبان ترکی منقرض شده ایست که در قرن پانزده هم میلادی ایجاد شده بود. این در حالی است که جدایی ارتباطات ژنتیکی میان هزاره ها و ازبکها قبل از این زمان بوقوع پیوسته است. این امر نشان میدهد که اختلافات زبانی میان اقوام افغانستان معروف بروز تغییرات فرهنگی در زمانهای متأخر باشند.

طوریکه مبینیم نتایج این مطالعات با آنچه از تاریخ این سرزمینها میدانیم مطابقت دارد. بطور مثال با حمله مغولها و استیلای طولانی آنها و بازماندگان تیموری شان در ماوارالنهر، خراسان، سیستان، اراکوزیا، فارس، تخارستان، زابلستان، کابلستان و غیره سرزمینها تغییرات بزرگ فرهنگی و جمعیتی در این سرزمینها بوقوع پیوست و تعداد کثیری از مردمان اقوام مهاجم در این مناطق مسکن گزین شدند که از لحاظ ژنتیکی با مردمان محل متفاوت بودند. این مهاجرین در مناطق مرکزی کشور در نتیجه اقامت طولانی و آمیزش با مردم محل زبانهای اصلی خود را از دست داده زبانهای محلی را پذیرفتند. با آمدن صفویها، قزلباشها و فارسها هم در این مناطق مسکون شده مذهب شیعه را بین مردم محل شایع کردند.

### ترکیب قومی نفوس:

موقعیت افغانستان به مثابه چهار راهی مدنیتهای ناگزیر بالای ترکیب قومی نفوس کشور تأثیر نموده است. در افغانستان بیش از شانزده قوم از جمله پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، پشه ای، عرب، قرقیز، ترکمن، بلوچ، قزلباش، بیات، هندو، سیک و غیره زندگی میکنند. هر آنچه ما را به مثابه یک کتله مردم از مردم کشورهای همسایه متمایز میسازد مبانی هویت ملی ما هستند. اسم افغانستان، ملیت مردم افغانستان، زبان دری مروج در کشور، زبانهای ملی کشور، ایجاد مملکت افغانستان و دولت افغانستان، گذشته تاریخی کشور ما، مبارزات قهرمانانه نیاکان ما برای کسب استقلال سیاسی و ایجاد اولین دولت مستقل بومی در این سرزمین، حفظ استقلال و دفاع از آن در مقابل متجاوزین و گسترش نفوذ و منافع کشور ما در منطقه همه برخی از اجزای هویت ملی ما را میسازند.

نفوس اقوام در کشور هرگز بصورت رسمی از طرف دولتهای افغانستان جمع آوری و نشر نشده است. در سرشماری سال ۱۳۵۸ (اولین و آخرین سرشماری رسمی در افغانستان) با آنکه سوال قوم در آغاز شامل پرسشنامه شده بود اما با آغاز سرشماری دولت تصمیم گرفت برای جلوگیری از اخلاص عملیات سرشماری و جلوگیری از خطر زیر سوال

بردن صحت ارقام جمع آوری شده در آینده، سوال مربوط به اقوام افراد را حذف نماید. بنابر این تصمیم از قوم و ملیت مردم سوال نشد. اما در طول چند صد سال گذشته تخمین هایی در مورد نفوس اقوام کشور توسط مراجع مختلف صورت گرفته است. یکی از راههای تخمین تقریبی نفوس اقوام استفاده از احصائیه های نفوس ولسوالیها و تخمین فیصدی ترکیب نفوس مسکون اقوام به تفکیک ولسوالیها بوده که بر اساس آن میتوان نفوس اقوام ولایات و کشور را تخمین نمود. اولین کسیکه برای بار اول به تخمین نفوس اقوام افغانستان دست زد مونت ستوارت الفونستون انگلیسی در سال ۱۸۰۹ بود. موصوف و تیم معیتی تحقیقاتی او بر اساس تخمین نفوس مناطق مختلف در فی کیلومتر مربع و ترکیب قومی مناطق مذکور نفوس اقوام تحت حاکمیت دولت افغانستان را در کتاب خود تخمین و درج میکند. (الفونستون، گذارش سلطنت کابل و ملحقات آن در هندوستان، تارتاری و فارس).

hundred to the square mile, was allowed to any large tract except Cashmeer, and sometimes (as in the whole country of the Hazaurehs) only eight souls were allowed to the square mile.

The different nations who inhabit the kingdom of Caubul were supposed to contribute to the population in the following proportions :—

Afghauns . . . . .	4,300,000
* Beloches . . . . .	1,000,000
* Tartars of all descriptions.	1,200,000
Persians (including Tadjiks).	1,500,000
Indians (Cashmeerees, Juts, &c.)	5,700,000
Miscellaneous tribes . . . . .	300,000

طوریکه میبینیم ارقام فوق ترکیب قومی نفوس مناطق تحت حاکمیت دولت افغان را در سالهای (1810-1809) هنگام سفر الفونستون و هیات تحقیقاتی و تشریفاتی ۲۰۰ نفره او به افغانستان نشان میدهد. هرگاه با استفاده از این معلومات بکوشیم ترکیب قومی نفوس افغانستان را بر اساس سرحدات بعد از معاهده دیورند و سرحدات سال 1880 تخمین نمائیم جدول آتی بدست خواهد آمد:

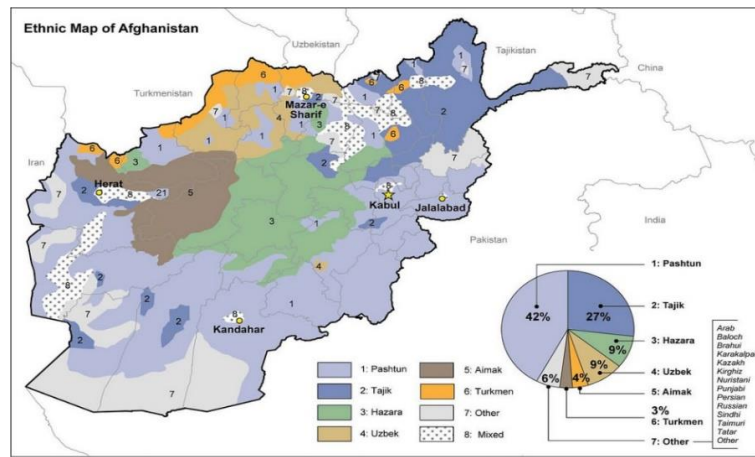
تخمین نفوس اقوام افغانستان توسط مونتستوارت الفونستون سال 1810م

تخمین نفوس مطابق سرحدات سال 1810 (الفونستون)		تخمین نفوس سال 1810 مطابق سرحدات معاهده دیورند (خالدی)		اقوام
تعداد 1810	فیصدی 1810	تعداد 1810	فیصدی 1810	
4,300,000	31.2%	2,150,000	43.7%	پشتونها
1,000,000	7.2%	125,000	2.5%	بلوچها
1,200,000	8.7%	1,200,000	24.4%	تارتارها (تمام اقوام ترکتابار بشمول هزاره ها)
1,300,000	9.4%	1,300,000	26.4%	فارسیها (بشمول تاجیکها)
5,700,000	41.3%	-	0.0%	هندیها (کشمیریها، جتها، متفرقه...)
300,000	2.2%	150,000	3.0%	اقوام متفرقه
13,800,000	100.0%	4,925,000	100.0%	مجموع

باتوجه به آنکه در سرشماری سال 1979 مجموع نفوس کشور را 14.5 ملیون نفر تخمین گردید (مسکون 13 ملیون، کوچی 1.5 ملیون) تعداد تخمینی نفوس در سال 1810م مطابق جدول فوق که بالغ بر 4.9 ملیون نفر را نشان میدهد یک تخمین قابل دقت و قریب به یقین معلوم میگردد. بر اساس این سنجشها در فاصله 169 سال که از سفر الفونستون میگذرد میزان متوسط رشد سالانه نفوس در حدود 0.67% (فیصد) بوده است. این میزان با نرخ متوسط رشد نفوس 0.4% هندوستان در سالهای 1870 تا سال 1920 که 0.4 فیصد که تا اواخر عصر استعمار از 1.3% بیشتر نگردید (مقایسه تاریخ هندوستان و اندونیزیا. مجموعه مقالات، بلوسه و ان بوت، نیویارک 1978، ص 2) قابل مقایسه است.

در سالهای اخیر موسسات بین المللی نقشه های ترکیب نفوس قومی کشور را نشر کرده اند. از آن جمله نقشه ۲ ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا نشر شده است.

بر اساس تخمینهای فوق اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا ترکیب قومی نفوس افغانستان از قرار آتی میباشد: پشتون 42 فیصد، تاجیک 27 فیصد، هزاره 9 فیصد، ازبک 9 فیصد، ایماق 4 فیصد، ترکمن 3 فیصد، و سایر اقوام جمعاً 7 فیصد نفوس افغانستان را تشکیل میدهند.  
**نقشه ۲: ترکیب قومی نفوس افغانستان و توزیع جغرافیایی اقوام توسط اداره مرکزی استخبارات امریکا (سی آی آی) و اداره مرکزی استخبارات جغرافیایی امریکا**



Source: GAO analysis of Central Intelligence Agency and National Geospatial-Intelligence Agency data. National Geospatial-Intelligence Agency and Map Resources (maps).

## در جدول آتی تخمینهای نفوس اقوام افغانستان از منابع مختلف تقدیم میگردد:

مؤلف	منبع	پشتون	تاجک	هزاره	ازبک	سائر	مجموع (فیصد)
یک سروی و تحقیق شش ساله	بنیاد واک تاروی 1999	62.73	12.4	9	6	10	100
مکس کلومبرگ	افغانستان 1960	60	30	3	3	4	100
وليام میلی	تولد مجدد مبدأ طلبان، افغانستان و طالبان لندن 1998	62.7	12.4	9	6	9.9	100
محمد محجوب و ف یوری	جغرافیای دنیا چاپ پنجم ایران نفوس جهان 1981 اتحاد شوروی	60	20	5	5	10	100
پروفیسور سی آبروک	افغانستان کابل 1955	52.8	18.6	8.6	8.6	11.4	100
پروفیسور محمد علی	زبان ملی افغانستان اتحاد شوروی 1964	60	60	20		20	100
پروفیسور اسلانووف	سیستم فدرالی در افغانستان پاکستان 2000	62	12	9	6	11	100
محمد انعام واک	شماره 42-43 جریده افغان ملت	50	21	8	8	13	100
عیدل احمد المیر	تاریخ و ایجاد افغانستان لندن 1980	58.7	28.7	2.7	8	1.9	100
عیدل عظیم ولیان	تاریخ و ایجاد افغانستان ایران 1987	70	13			17	100
علی اکبر جعفریان	مجلس سخن	50	20			30	100
لوی دوبری	افغانستان 1973 امریکا	46	25	6	7	16	100
ولید الماناک	افغانستان 1997 امریکا	38	25	19	6	12	100
مکیتری	زبانهای بزرگ دنیا 1987	55-65				100	100
انتونی	افغانستان	45	23	10	8	14	100
FACTBOOK	CIA	42	27	13	9	9	100
انتخابات ۲۰۰۴ ریاست جمهوری*	نتایج نشر شده انتخابات	55.4	16.3	11.6	10	6.7	100
دوکتور نوراحمد خالدی	اکادمیاء، 2016	43.7	26.4	12.2	12	5.7	100
* حامد کرزی (پشتون) ۵۵.۴٪ یونس قانونی (تاجک) ۱۶.۳٪ محمد محقق (هزاره) ۱۲.۲٪ رشید دوستم (ازبک) ۱۲٪.							

د پانو شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

در نتیجه با استفاده از منابع مختلف ترکیب قومی نفوس افغانستان را میتوان با در نظر داشت احصائیه رسمی تخمین نفوس در سال (۱۳۹۷) ۲۰۱۸/۲۰۱۷ م در جدول زیر ذیل خلاصه نمود:

تخمین تعداد و فیصدی نفوس افغانستان به تفکیک اقوام کشور		
اقوام	فیصدی نفوس	تعداد نفوس 1397
پشتون	43.7	13,809,200
تاجک	26.4	8,342,400
هزاره	12.0	3,792,000
ازبک	9.0	2,844,000
ترکمن	3.0	948,000
بلوچ	2.5	790,000
سائر اقوام	3.4	1,074,400
<b>مجموع نفوس</b>	<b>100.0</b>	<b>31,600,000</b>
منبع: ترکیب قومی از دوکتور نوراحمد خالدي		
منبع: تعداد مجموع نفوس افغانستان از اداره مرکزی احصائیه.		

باقیدارد

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ